

# در خلوت مصدق

شیرین سمیعی

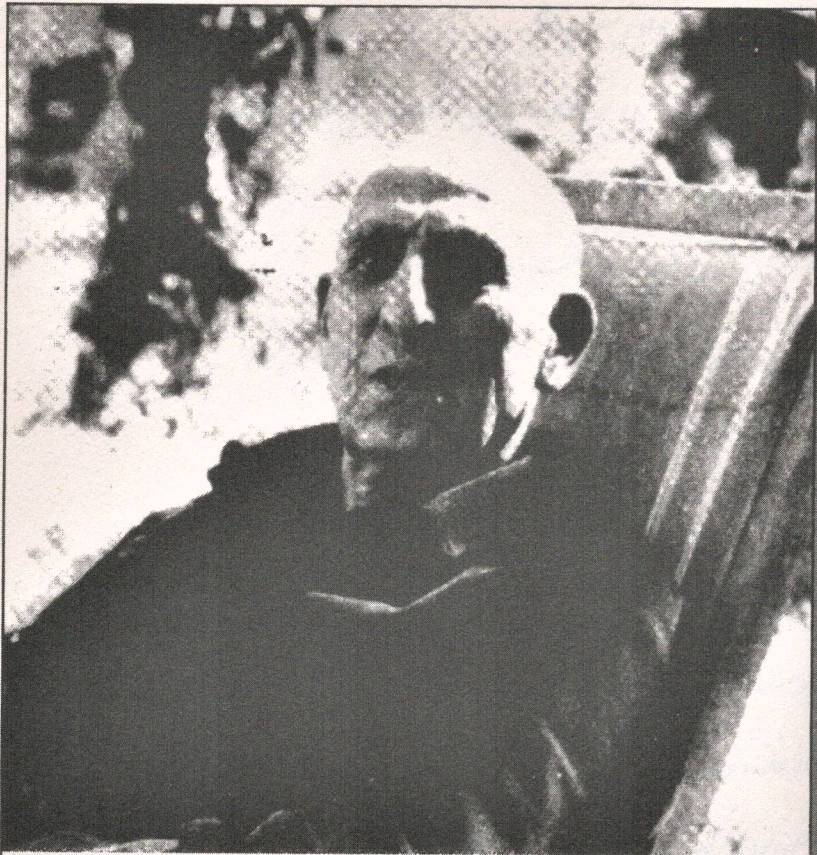


## زندگی نامه دکتر محمد مصدق

مصدق، محمد ملقب به مصدق السلطنه رجل سیاسی ایرانی، پسر میرزا هدایت. (و. تهران ۱۲۶۱- ف. ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ ه. ش) تحصیلات مقدماتی را در تهران به انجام رساند و در سال ۱۲۸۷ ه. ش برای تحصیلات عالی به پاریس عزیمت کرد و بعد از اتمام دوره‌ی مدرسه علوم سیاسی پاریس به دانشگاه نوشاتل سویس وارد شد و در ۱۲۹۳ به اخذ درجه‌ی دکتری در حقوق نایل گردید و بعد به ایران بازگشت. چون مخالف قرارداد ۱۹۱۹ (۱۲۹۸ ه. ش) ایران و انگلیس بود در بهار ۱۲۹۸ به سویس بازگشت و قصد داشت در آنجا مشغول کار شود که کابینه‌ی مشیرالدوله برای تصدی وزارت دادگستری از وی دعوت کرد. در حین مراجعت به ایران از راه هندوستان و بندر بوشهر، در پائیز ۱۲۹۹ به حکومت فارس منصوب شد. با این همه در اسفند همان سال، از شناسائی کودتای سیدضیاءالدین طباطبائی امتناع ورزید.

پس از سقوط سید ضیاءالدین در سال ۱۳۰۰ به وزارت دارائی منصوب شد و به اصلاحات در این وزارتخانه پرداخت. در سال ۱۳۰۱ حکومت آذربایجان یافت و بعد از چندی به علت عدم موافقت دولت مرکزی با نظریات او، از این سمت استعفاء داد. در سال ۱۳۰۲ وزیر امور خارجه شد. در ۱۳۰۳ در دوره‌ی پنجم قانونگذاری به نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای ملی انتخاب گردید. در این دوره با واگذاری سلطنت به سردار سپه مخالفت ورزید. در دوره‌ی ششم مجدداً به وکالت مجلس از طرف مردم تهران انتخاب شد و با تشکیل مجلس مؤسسان مخالفت کرد و پس از اتمام این دوره چون دولت در انتخابات مجلس دخالت کرد از سیاست کناره گرفت و در قریه‌ی احمدآباد در غرب تهران اقامت گزید.

با این که از سیاست به کلی به کنار بود، در چهارم تیرماه ۱۳۱۹ به وسیله شهربانی تهران توقیف شد و به بیرجند اعزام گردید و تا آذرماه همان سال در زندان عمومی آن شهر محبوس بود. سپس مجدداً به احمدآباد تبعید شد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ در دوره‌ی چهاردهم (۱۳۲۲) و شانزدهم (۱۳۲۹) بار دیگر از طرف مردم



بمانند وقتی با پیصال مردم میان آید از مصالح خردی نظرات شخصی فرستند  
بمانند در سیاست محکم است از سازش نیستند و تا آنچه نرسد نرسد در برابر سیاست  
دیک درنگ نخرج مدهند و از یک بند در راه آنداری دستمال اولان  
از عمر خرد میگذرند این عکس تا نابرابر است و ام آرد آن ۱۲۴۱  
دکتر فرزاد

تهران به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب شد.

در این دوره برای استیفای حق ملت ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت انگلستان، جبهه‌ی ملی را تشکیل داد و به مبارزه پرداخت و در بیست و نهم اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت را از تصویب مجلس شورای ملی و سنا گذراند و در اردیبهشت ۱۳۳۰ برای اجرای این قانون و خلع ید از شرکت نفت سابق، نخست‌وزیری ایران را قبول کرد.

در تیرماه ۱۳۳۱ با اینکه مجلس جدید (دوره‌ی هفدهم) به نخست‌وزیری او رأی تمایل داده بود، به سبب اختلاف نظر با محمدرضا پهلوی (شاه سابق) برای تصدی وزارت دفاع ملی، از تشکیل دولت جدید استنکاف کرد و شاه سابق قوام السلطنه را به نخست‌وزیری منصوب کرد، ولی ملت با قیام سی تیر مجدداً او را به نخست‌وزیری برگزید.

در بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ با کودتای عوامل دربار و سیاه‌مراه عده‌ای از همکاران خود دستگیر و زندانی شد. در پائیز همان سال در دادگاه‌های نظامی با وجود دفاعیات مشروح به سه سال زندان مجرد محکوم گردید.

پس از پایان دوره‌ی زندان در شهریور ۱۳۳۵ تحت الحفظ به احمدآباد اعزام شد و تحت نظر مأموران ساواک بود تا اینکه در آذرماه ۱۳۴۶ به سبب بیماری، تحت نظر ساواک به تهران منتقل شد و در ششم اسفند در بیمارستان نجمیه بستری گردید و در سحرگاه ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ در گذشت و با این که وصیت کرده بود در گورستان شهدای سی تیر ۱۳۳۱ مدفون گردد، به دستور دولت، در خانه‌ی خودش در احمدآباد به خاک سپرده شد.

برگرفته از فرهنگ دکتر محمد معین

جلد ۶ - صفحه‌ی ۱۹۸۸

چاپ مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر تهران، ۱۳۸۱ خورشیدی